

بررسی متعلق «فراغت» و «نصب» در آیه هفت سوره شرح

دکتر سید محمود طیب حسینی^۱ - وحید جمشیدی^۲

چکیده

آیه هفت سوره شرح با اطلاق لفظ وعدم ذکر متعلقش، باعث شده که مفسران مصادیقی برای تعیین متعلق «فراغت» و «نصب» بیاورند. نگارنده ابتدا ترجمه‌های مختلفی را که مترجمان از آیه کرده‌اند ذکر کرده، سپس دیدگاه‌های تفسیری مفسران همراه با نقد آن‌ها یاد شده و در آخر صحیح‌ترین نظر تفسیری و تأویلی بیان شده است. روایاتی که مؤید دیدگاه نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت و ولایت است، برای متعلق «فانصب» ذکر شده و هماهنگی آن با سیاق، در مقایسه با دیگر تفاسیر مفسران بیان گردیده است. در این نوشتار دو دیدگاه کلی تفسیری و تأویلی ارائه شده و هدف پژوهش علاوه بر تبیین معنای تنزیلی و ظاهری آیه شریفه و پذیرش آن، اثبات نظر تأویلی درباره آیه ﴿فَإِذَا فَرَعْتَ فَإُنْصَبْ﴾ است که همان دیدگاه مبنی بر نصب خلافت می‌باشد. **کلیدواژه‌ها:** سوره هفت، متعلق فراغت، متعلق نصب، مفسران اهل سنت و شیعه، امام علی علیه السلام.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. tayyebhoseini@rihu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه علوم و معارف قرآن قم.
vahidjamshidi0831@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱

طرح مسئله

در قرآن آیاتی وجود دارد که مفسران در فهم و تفسیر آن اختلاف نظر دارند. یکی از این آیات که بحث درباره آن نسبتاً مهم و قابل توجه است و مفسران در فهم آن اختلاف کرده‌اند، آیه هفت سوره شرح است. در این آیه، دو واژه را بدون ذکر متعلق آورده و این باعث غنای معنایی آن شده و مفسران اعم از شیعه و سنی هر یک متعلقاتی درباره این دو واژه بیان کرده‌اند که گاه به هم نزدیک و گاهی با هم متفاوت و مختلف هستند؛ و هر کدام از منظری به آن نگریسته‌اند. مفسران و علمای شیعه دیدگاه خود را از روایات تفسیری مأثور از اهل بیت علیهم‌السلام گرفته و علمای اهل سنت نیز هر یک مصداقی از آیه را بیان کرده و از روایات معصومین علیهم‌السلام و همچنین به تفسیر با توجه به سیاق آیه و آیات و نظرات خود پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر در صدد است نظرتأویلی را درباره آیه اثبات کند که طبق سیاق و همچنین روایات مأثوره و شواهد لغوی، منظور آیه، نصب امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خلافت و جانشینی بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد؛ چنان‌که این دیدگاه در بسیاری از کتب اهل سنت نیز نقل شده است. در مورد دیدگاه تفسیری نیز، نظر برگزیده از میان نظرات مختلف مفسران بیان گردیده است که با توجه به سیاق آیه با قبل و بعد آن، این است که وعده خدا یقیناً محقق خواهد شد و به زودی خداوند پس از همه سختی‌ها و دشواری‌ها، همچون تحیر و تنگنایی و سختی و اندوه، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خاطری آسوده خواهد بخشید.

اختلاف قرائت به کسر صاد یا فتح

روایاتی که از معصومین علیهم‌السلام در قرائت آیه ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾ به ما رسیده است دو دسته هستند. یک دسته تصریح در قرائت «فانصب» به کسر دارند و دسته‌ای به این امر تصریح نکرده‌اند؛ اما در معنا بر آن صراحت دارند. قبل از اینکه به ذکر این دو دسته از

روایات پرداخته شود، نخست به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا اختلاف قرائت در حد اعراب و حرکت قابل قبول هست یا خیر؟

این نوع اختلاف در روایات اهل سنت فراوان دیده می‌شود، اما سؤال اینجاست که چگونه آن‌ها شیعه را به بدعت گذاری متهم می‌کنند و حال اینکه از این گونه اختلاف قرائت در روایات اهل سنت فراوان دیده می‌شود؟

زمخشری در این باره می‌گوید: «و من البدع ما رُوِيَ عن بعض الرافضة أنه قرأ بكسر الصاد، أي إنصب علياً للإمامة»، از بدعت‌ها مطلبی است که از بعضی رافضیان نقل شده است که کلمه «فانصب» را در آیه با کسر صاد خوانده، یعنی علی را به امامت منصوب کن. اگر این طور باشد، ناصبی هم می‌تواند آیه را به نصب و عداوت علی تفسیر کند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۷۲/۴).

نقد سخن زمخشری

عکس‌العملی که زمخشری در مقابل شیعه درباره روایت نصب علی عليه السلام به خلافت از خود نشان داده و استدلالی که بیان نموده است تمام نیست.

با فحص و جست‌وجو در بین کتب اهل سنت، چهار روایت به همین مضمون دیده می‌شود که آن‌ها نیز در کتب خود این روایات را ذکر کرده‌اند؛ اما درباره سخن زمخشری باید گفت که با توجه به اطلاق آیه و عدم ذکر متعلق خاصی برای آن، انطباق آیه با این تفسیر منقول از ائمه درباره نصب علی عليه السلام به خلافت بلامانع است. (بابایی، ۱۳۹۱ش: ۲۱۰/۴).

با توجه به دیگر تفسیرهای زمخشری که آن‌ها هیچ رجحانی بر این تفسیر ندارند، می‌شود آیه را این گونه هم تفسیر کرد که هرگاه از اعمال حج فارغ شدی، در تبلیغ امامت و ولایت علی عليه السلام به امت قبول زحمت کن؛ روایات فراوانی دال بر این موضوع از امام صادق و باقر عليهما السلام نقل شده است. در هر صورت بدعت نامیدن این تفسیر با وجود روایات فراوانی که بر آن دلالت دارد، سخنی دور از تحقیق و ناشی از گرایش ضد شیعی است؛ و قیاس آن به اینکه ناصبی هم می‌تواند آیه را به نصب و عداوت با علی عليه السلام تفسیر کند، کاملاً

نادرست است؛ زیرا این تفسیر دارای پشتوانهٔ روایی فراوانی است.^۱ حال آنکه نصب و عداوت با علی علیه السلام با روایات مورد اتفاق شیعه و اهل سنت مخالف است. با توجه به این روایات، این سخن زمخشری برای هیچ مسلمانی چه شیعه و چه سنی تصور ندارد. (همان، ۲۱۲/۳)

مرحوم فیض کاشانی به زمخشری در این باره می‌گوید: «نصب امام و خلیفه بعد از تبلیغ رسالت یا فراغت از عبادت، امری معقول بلکه واجب است؛ زیرا مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دچار حیرت، ضلالت و گمراهی می‌شوند» و در ردّ نظر زمخشری بیان می‌کند که کتب عاقله آکنده از احادیثی است که محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام را نشان می‌دهند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۴۵/۵).

روایات دال بر قرائت کسر صاد

روایات فراوانی وارد شده است که بر قرائت به کسر صاد تصریح دارد. در اینجا ترجمه برخی از آن‌ها، به دلیل طولانی نشدن بحث ذکر می‌گردد.

۱. از امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل شده که دربارهٔ کلام خدای متعال ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾، فرمود: فانصب به کسر صاد است، [و معنایش چنین است که] هرگاه از اقامهٔ واجبات فراغت یافتی، علی علیه السلام را منصوب کن و پیامبر صلی الله علیه و آله این دستور را انجام داد. (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۲۴۵/۱).

در این روایت به عبارت «بکسر الصاد» تصریح شده است. در عبارت بعدی هم جمله‌ای را به کار برده است که اگر با فتحه بخوانیم، به مفعول نیاز ندارد «فانصب علیاً» و

۱- نمونه‌ای از روایات را بنگرید در: ظهیر الباکستانی، إحسان، الشیعة و القرآن، إدارة ترجمان السنة، لاهور، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۶؛ همو، الشیعة و التشیع، إدارة ترجمان السنة، لاهور، ۱۴۱۵ق، ۳۴۹/۱؛ خصائص نسائی، ۱۰۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۲۳۰/۵؛ الجامع الصغیر سیوطی، ۱۸۲/۲؛ مناقب خوارزمی، ۲۹۲؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ۳۸۰/۳، ۱۷۷/۵؛ تمهید الأوائل باقلانی، ۵۴۴.

معنا نادرست می شود.

۲. حضرت علی بن محمد علیه السلام چنین قرائت فرمود: «هرگاه از تکمیل شریعت فراغت یافتی، علی علیه السلام را به عنوان امام آنان منصوب بدار.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۲۲۶).
در این روایت با کلمه «قرأ» حضرت به قرائت با کسره تصریح نموده و نشان داده که منظور قرائت با کسره است که به مفعول نیاز دارد.

جرح و تعدیل نظر

روشن است که قراء در برخی کلمات قرآن با یکدیگر اختلاف دارند، تا جایی که معنا در برخی جاها کاملاً تغییر می کند. اما این دلیل بر تحریف قرآن نیست، بلکه به علل و عوامل مسبب اختلاف، که در کتب علوم قرآنی مفصل بیان شده است، باز می گردد.
برای مثال یکی از موارد اختلاف در قرائت، آیه ۲۶ سوره مریم است که در قرائت حفص «صوماً»، در قرائت زید بن علی «صیاماً»، در قرائت عبدالله بن مسعود «صمتاً» و همچنین در قرائت اُبی بن کعب «صوماً» آمده است، که خود نشان از اختلاف در قرائت میان قراء است.

این اختلاف قرائت برای رسیدن به نصّ واحدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن قرائت نموده است. هر قاری کیفیت خاصی را در تلفظ داشته و معتقد بوده است که این همان تلفظ از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما آنچه در این میان اهمیت دارد، اثبات این استناد است.

قرائت در صورتی قابل اخذ و معتبر است که درباره هیچ یک از ناقلان و راویان آن طعن و خدشه ای وارد نباشد. قرائت به کسر درباره «فانصب» نیز همین گونه است. و با شروط سه گانه ای که خود دانشمندان اهل سنت برای قرائت صحیح وضع کرده اند که عبارت اند از: صحت سند، موافقت با قواعد عربی و دستور زبان و لغت و انطباق با رسم الخط مصحف عثمانی، مخالف نیست.

همچنین قرائت به کسر صاد که مد نظر این تحقیق است، هم مؤید لفظی و لغوی دارد و هم مؤید نقلی و روایی، و این دور از ذهن نیست که به معنای نصب کردن باشد.

این معنا هم در تفاسیر شیعه و هم در منابع اهل سنت فراوان نقل شده است. به ویژه اینکه روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام در این باره وارد شده است.

نگاهی به چند ترجمه

پیش از بررسی دیدگاه‌های مفسران در تفسیر آیه شریفه ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾ و بیان متعلق دو واژه «فرغت» و «فانصب»، شایسته است بعضی ترجمه‌های فارسی آیه را مرور کنیم. مترجمان متعلق فراغت را به فراغت از تبلیغ رسالت، نماز، کار روزانه، امور مهم و پیکار و نبرد ترجمه کرده و متعلق «نصب» را نیز دعا و عبادت، نماز، امر مهم، نماز نافله و نصب امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی، بیان کرده‌اند.

۱. «پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت یافتی به عبادت و دعا بکوش».

(حسین انصاریان)

۲. «پس چون از طاعت و نماز پرداختی برای دعا همت مصروف دار». (الهی

قمشه‌ای)

۳. «پس هرگاه از کار روزانه‌ات فراغت یافتی به نماز و شکرانه‌ پروردگارت بایست».

(ترجمه المیزان)

۴. «پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری بپرداز». (مکارم

شیرازی)

۵. «و چون از [پیکار] فراغت یافتی، [آماده] نماز و عبادت شو». (حلبی)

۶. «پس آنگاه که از کار و مسئولیت روزانه فارغ شدی، نماز نافله برپا بدار».

(صفارزاده)

۷. «پس چون [ازواجب] بپردازی، پس [به دعا] رنج بر». (خواجوی)

۸. «پس چون فارغ شدی از تبلیغ رسالت، علی علیه السلام را منصوب بدار». (بروجردی)

این هشت ترجمه، تفاوت کاملاً آشکاری با یکدیگر دارند که این اختلاف در واقع ریشه در دیدگاه‌های تفسیری مفسران دارد. به عبارت دیگر، در پشت هر یک از این ترجمه‌ها یک دیدگاه تفسیری نهفته است.

نقدی بر ترجمه‌ها

در میان ترجمه‌ها، در ترجمه آقای بروجردی مشخص نشده است که این ترجمه، مبنی بر ظاهر آیه و تنزیل است یا تأویل و باطن آیه.

ترجمه آقای مکارم شیرازی به دلیل رعایت اطلاق آیه، ترجمه درست‌تری از دیگر مترجمان می‌باشد. همچنین ترجمه المیزان و انصاریان ترجمه صحیحی هستند. دیگر ترجمه‌ها نیز به دلیل ذکر مصادیق جزئی درست به نظر نمی‌رسد. در برخی از ترجمه‌ها آمده است که «در دعا رنج ببر»، در حالی که در دعا رنج و تعب نیست و این ترجمه نادرستی است.

ترجمه تفسیری صحیحی که می‌توان به آن اطمینان یافت، همان ترجمه عایشه عبدالرحمان (بنت الشاطی) است که طبق سیاق و بافت کلی سوره، آن را ارائه کرده است که در بخش نظریات تفسیری بیان می‌گردد. اما در ترجمه تأویلی آیه، آقای صادقی تهرانی مؤلف تفسیر الفرقان و همچنین آقای بروجردی ترجمه درستی ارائه داده‌اند:

«هرگاه از تبلیغ رسالت فراغت یافتی، به تلاش در استمرار رسالت و نصب علی علیه السلام به خلافت پرداز».

دیدگاه‌های دانشمندان و مفسران اهل سنت

حال به نظریات مفسران و علمای اهل سنت درباره آیه پرداخته می‌شود تا روشن گردد متعلقات آیه هفت در سوره شرح را چه بیان کرده‌اند.

۱. ابن عباس

ابن عباس در این باره نماز و دعا را برای واژگان بیان کرده، می‌گوید: «فإذا فرغت من صلاتک فاجتهد فی الدعاء پس هنگامی که از نماز فارغ شدی، پس تلاش کن در دعا».

(طوسی، بی تا: ۱۰/۳۷۴).

۲ و ۳. مجاهد و جبائی

هر دو با نظری متفاوت ذیل آیه می‌گویند: «هرگاه از دنیا فارغ شدی، پس تلاش کن در

عبادت پروردگار». (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۵۰۸).

نقد دیدگاه

دیدگاه مجاهد و جبائی و ابن عباس به عنوان مصداقی برای آیه پذیرفتنی است، ولی نباید آیه را به این مصداقی محدود کرد. مهم‌ترین نکته این دیدگاه با سیاق سازگاری ندارد.

۵ و ۴. حسن و ابن زید

این‌ها نیز با بیان مصداقی برای آیه درباره آن می‌گویند: «هرگاه از جهاد دشمنان فارغ شدی، پس کوشش کن به عبادت خداوند». (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۷/۱۶۲).

۶. علی بن طلحه

طلحه نیز در مقابل پرسشی که از او درباره آیه کرده‌اند می‌گوید: «سخن در آن بسیار است و ما شنیدیم که می‌گویند: هرگاه از بیماری بهبود یافتی، پس تندرستی و صحت و فراغت خود را تابلو قرار بده برای عبادت». (همان‌جا).

نقد نظریات حسن، ابن زید و علی بن طلحه

تفسیری که آن‌ها از آیه ارائه داده‌اند، یکی از مصداقی ارائه شده درباره آیه شریفه است که فراغت را به فراغت از پیکار و جهاد و تلاش در عبادت پروردگار و بهبود از بیماری و تابلو قرار دادن فراغت و صحت و تندرستی تفسیر کرده‌اند؛ و با محدود کردن آیه با این مصداقی که در مواردی مصداقی بسیار بعیدی هستند، غنای معنایی آیه را از بین برده‌اند. همچنین این مصداقی با سیاق سازگار نمی‌باشند. برخی از مفسران نیز هر یک مصداق‌هایی را برای آیه بیان کرده‌اند و تفسیری همه‌جانبه‌نگر و نسبتاً قوی از آیه ارائه نداده‌اند. اینک صحیح‌ترین نظرات تفسیری درباره آیه را بیان می‌کنیم، سپس دیدگاه تأویلی تبیین می‌شود.

۷. حافظ حاکم حسکانی

حسکانی ذیل آیه می‌گوید: حدیث کرد مرا علی بن موسی بن اسحاق به اسنادش از

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام در قول خداوند «فإذا فرغت فانصب»، فرمود: یعنی بعد از آنکه از تبلیغ رسالت فارغ شدی، تعیین نما علی علیه السلام را برای ولایت. وی پنج روایت دیگر به همین مضمون با اسناد مختلف از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که یعنی علی علیه السلام را بر مسلمین خلیفه قرار بده. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۵۱)

۸. زمخشری

زمخشری نیز اولی را به طور عام معنا کرده و درباره آیه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از هر امری که به آن اشتغال دارد، چه دنیایی و چه اخروی، باید از همه آن امور دست بکشد و نفس خود را در تلاش در عبادت خسته کند و به سختی بیندازد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۷۲۲)

۹. ابن کثیر

این مفسر اهل سنت، متعلق «فرغت» را فراغت از امور دنیایی و متعلق «نصب» را کوشش در عبادت بیان کرده است. او در تفسیرش ذیل این آیه می گوید: «إذا فرغت من أمور الدنيا وأشغالها وقطعت علائقها فانصب إلى العبادة وقم إليها نشيطاً فارغ البال وأخلص لربك التوبة والرغبة»؛ هنگامی که فارغ شدی از امور دنیا و اشتغالاتش و از علائقش بریده شدی، پس در عبادت پروردگارت بکوش. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸/۴۱۸)

نقد دیدگاه ابن کثیر و زمخشری

تفسیری را که ابن کثیر و زمخشری از آیه ارائه داده اند می توان به عنوان مصداقی برای آیه پذیرفت، ولی نباید آیه را به این مصداق محدود کرد؛ چون آیه بدون ذکر متعلق و مطلق ذکر شده و این باعث غنای معنایی آیه شده است و این مصداق، معنای غنی و خوبی را از آیه به دست نمی دهند؛ اما اینکه گفته شده بعد از فراغت از امور دنیوی و هر امری که به آن اشتغال داشته، خود را به تلاش و سختی در عبادت خداوند بیندازد، باشخصیت و روح عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار نیست؛ زیرا پیامبر در عبادت و عبودیت پروردگار تمام تلاش خود را به کار می گرفت و آن قدر شبها به عبادت می پرداخت که باعث اعتراض برخی اطرافیانش می گشت. عبادت و بندگی پروردگار برای پیامبر

دشواری ای نداشت و او از روی عشق و محبت تامه نسبت به پروردگار، احساس رنج و سختی نمی کرد. با محبت و رغبت به عبودیت مشغول بود، نه با سختی و رنج؛ هرچند عبادتش طولانی می گشت. این سخن درباره پیامبر گرامی اسلام سختی بس سخیف است.

به شهادت نص صریح قرآن که درباره مؤمنان وارد شده ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾. (نور/۳۷) «مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی از یاد خدا... بازشان ندارد». آیا پیامبر ﷺ دائماً و مستمراً در محضر خدا نیست؟ پیامبر لحظه لحظه اش عبودیت محض پروردگارش است؛ پس این دیدگاه نمی تواند تفسیر درستی از آیه باشد.

۱۰. زجاج

زجاج نیز درباره متعلقات آیه همچون دیگران می گوید: «إذا انتهيت من أمر الصلاة المكتوبة فانصب وأتعب نفسك بالدعاء والتضرع إلى الله تعالى...»؛ هنگامی که از نماز واجب فراغت یافتی، نفس خود را در دعا و تضرع به درگاه خداوند به سختی و تعب بینداز. (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۶۰۲)

نقد دیدگاه

زجاج نیز مانند برخی دیگر از مفسران، آیه را به مصداق محدود کرده و غنای معنایی آیه را نادیده گرفته است. همچنین تفسیری مطابق با سیاق و روح کلی حاکم بر سوره ارائه نکرده است.

۱۱. عایشه بنت الشاطی

عایشه عبدالرحمان اگرچه به عنوان یک مورخ و پژوهشگر مباحث اجتماعی اسلام بیشتر شناخته شده است؛ لکن چون درباره سوره های کوتاه قرآن به ویژه جزء پایانی قرآن، به تفسیر پرداخته و کتابی با عنوان التفسیر البیانی تألیف کرده است، نظر او را در میان مفسران بیان کردیم.

عایشه عبدالرحمان دربارهٔ این آیه شریفه بیشتر به تفسیر آیه با توجه به سیاق اطمینان پیدا کرده است. او در تفسیر این آیه می‌گوید: با وجود حرف ربط (فاء) در آیه شریفه باید مشخصاً این آیه را به سیاق آیات قبل متصل کنیم. این آیه شریفه مسبوق است به تأکید یقینی بر اینکه آن عسرلاً محاله با «یسر» و آسانی همراه است و خداوند بدون شک وعده‌اش را محقق خواهد ساخت و به زودی به دنبال این همه سختی برای پیامبر ﷺ همچون تحیر و اندوه، آسوده خاطر خواهد شد؛ بعد از آنکه خداوند بر او منت نهاده، به او شرح صدر داد و بار سنگینی که پشتش را شکسته بود، از دوش او برداشت و یاد و نامش را بلند گردانید.

چنانچه ناچار باشیم متعلق فراغت بال را تعیین کنیم در این باره جزیه آنچه در آیات محکم پیشین آمده اطمینان نمی‌یابیم. و آن این است که خدای سبحان پیامبرش را از تحیری که او را به مشقت می‌انداخت و از بار سنگینی که پشتش را شکسته بود و او را به ستوه می‌آورد، فراغت بال و خاطری آسوده بخشید. آن هم فراغت آسانی بعد از دشواری و آرامش روحی بعد از سختی و اندوه؛ بنابراین بعد از این فراغت، حضرت مصطفی ﷺ باید برای انجام تکالیف رسالتش و به دوش کشیدن بارهای سنگین منصب پیامبری قیام کرده، تلاش کند تا رسالت پروردگارش را به انجام برساند و در راه آن مجاهدت نماید. (بنت الشاطی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

دیدگاه‌های دانشمندان و مفسران شیعه

۱. ابن مسعود

او درباره آیه می‌گوید: هرگاه از نماز واجب شب فارغ شدی، پس زحمت بکش در قیام شب. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۶۱/۲۷)

تحلیل دیدگاه ابن مسعود

تفسیری که ابن مسعود از آیه ارائه داده است، می‌تواند تفسیر درستی باشد. او درباره آیه نقل می‌کند: «هرگاه از نماز واجب شب فارغ شدی، پس زحمت بکش در قیام شب».

خداوند در سورهٔ مَزَّمَل پس از خطاب به پیامبر که مقداری از شب را بیدار باشد و امر به خواندن قرآن و نماز شده است، می‌فرماید: «إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مَزَّمَل/۵)؛ «به یقین ما به زودی گفتاری سنگین [چون آیات قرآن] به تو القا خواهیم کرد. همچنین آیهٔ «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً...» (اسراء/۷۹)؛ «پاره‌ای از شب را به نماز خواندن زنده بدار، این نافله خاص توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده برساند. در این آیات شریفه، القای قول ثقیل و اعطای مقام محمود را به خواندن نافله شب و قیام لیل مشروط کرده است؛ و اینکه شب زنده‌داری و تهجد باعث وسعت ظرفیت پیامبری می‌شود و سختی‌های دوران رسالت را برای او تحمل‌پذیر می‌سازد و باعث شرح صدر آن حضرت می‌شود.

۲. طبرسی

علامه طبرسی در مجمع‌البیان ذیل آیه شریفه می‌گوید: یعنی وقتی که از نماز واجب فارغ شدی برخیز و در برابر پروردگارت به دعا بایست، و با رغبت از او درخواست کن؛ و این را از دو امام معصوم حضرت باقر و صادق علیه‌السلام روایت کرده است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۶۱/۲۷)

۳- مؤلف کنزالدقائق و بحر الغرائب

ایشان نیز آیه را این‌گونه معنا کرده است: «هنگامی که از کار تبلیغ فراغت یافتی، تلاش کن در عبادت خداوند به خاطر شکر نعمت‌هایی که سابقاً به تو عطا کردیم و همچنین نعمت‌هایی که در آینده به تو وعده داده‌ایم.» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۳۳۶/۱۴)

۴- علامه طباطبایی

ایشان می‌نویسد: خطاب آیه متوجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و حرف «فاء» نتیجه‌گیری از بیان آیات قبل است، که سخن از تحمیل رسالت و دعوت بر آن جناب داشت و منت‌های خدا را براو که شرح صدرش داده، وزر را از او برداشت و نامش را بلندآوازه کرد،

برمی شمرد و در آخر، همه این‌ها را از باب یسر بعد از عسر دانست. بنابراین، معنایش این می‌شود: حال که معلوم شد هر عسری که تصور شود بعدش یسر می‌آید و زمام عسر و یسر تنها به دست خداست و لا غیر، پس هرگاه از انجام آنچه بر تو واجب شده فارغ شدی، نفس خود را در راه خدا یعنی عبادت و دعا خسته کن و در آن رغبت نشان بده تا خدا بر تو منت نهاده، راحتی که دنبال این تعب است و یسری که دنبال این عسراست، به تو روزی فرماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۳۱۷)

۵- صادقی تهرانی

مفسر محترم در تفسیر آیه به نقد برخی نظریات درباره آیه می‌پردازد و می‌گوید: «فراغت در اینجا از نماز نیست تا اینکه نصب آن در دعا باشد، چون در دعا تعب و سختی نیست. پس فراغت در آیه نیست مگر از تبلیغ رسالت و نصب نیز به معنای تلاش در استمرار رسالت می‌باشد. و با ذکر دلایلی می‌گوید که منظور از نصب، منصوب کردن علی علیه السلام به خلافت می‌باشد. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۰/۳۵۵)

صحیح‌ترین دیدگاه تفسیری درباره آیه ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾

به نظر می‌رسد صحیح‌ترین دیدگاه تفسیری درباره آیه شریفه را عایشه بنت الشاطی ارائه داده است. او آیه را با توجه به سیاق تفسیر کرده و به آن اطمینان یافته است؛ و با در نظر گرفتن آیات پیشین و اتصال منطقی آیه با قبل و بعد و پیوند صحیحی که بین آیات برقرار کرده، تفسیر جامع و درستی از آیه ارائه داده است.

دیدگاه تأویلی درباره آیه

در میان دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه شریفه ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾، چند دیدگاه وجود دارد که تأویل آیه شریفه هستند نه تفسیر. در این باره علامه طبرسی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده است: وقتی از نماز واجب فارغ شدی، برخیز و در برابر پروردگارت به دعا بایست و با رغبت از او درخواست کن. همچنین دیدگاه ابن عباس و زهری که همان قول نقل شده از علامه طبرسی

می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۶۱/۲۷)

دیدگاه سوم که در شمار تأویل از آیه شریفه است روایتی است که حافظ حاکم حسکانی در ذیل آیه آورده است: حدیث کرد مرا علی بن موسی بن اسحاق به اسنادش از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام در قول خداوند **﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب﴾** فرمود: یعنی بعد از آنکه از تبلیغ رسالت فارغ شدی، تعیین نما علی علیه السلام را برای ولایت. وی پنج روایت دیگر به همین مضمون با اسناد مختلف از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که یعنی علی علیه السلام را بر مسلمین خلیفه قرار بده. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۵۱/۲) در این باره هشت روایت به همین مضمون یاد شده است.

نزول آیه درباره غدیر

در میان روایات اهل بیت علیهم السلام روایاتی به چشم می‌خورد که بر نزول آیه درباره ماجرای غدیر دلالت دارد. سه روایت در این باره نقل شده است:

۱. عن أبی عبدالله علیه السلام قال: قوله «فإذا فرغت فانصب» كان رسول الله حاجاً، فنزلت: «فإذا فرغت...» من حجك «فانصب» علياً علماً للناس. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۳۶؛ بحرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱/۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۸۶/۱).

۲. در حدیث دیگری می‌بینیم که بعد از نزول آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من كنت مولاه...»

۳. عن أبی عبدالله علیه السلام قال عزّ ذكره: «فإذا فرغت...»، يقول: فإذا فرغت فانصب علمك وأعلن وصيتك... فقال: «من كنت مولاه، فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه... ثلاث مرات». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۲/۳۸؛ بحرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۰/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۱).

مقایسه نقاط مشترک و اختلافی دیدگاه‌ها درباره آیه

اینک به مقایسه بین نظریات تفسیری مفسران عامه و خاصه پرداخته و نقاط مشترک و اختلافی آنان در تعیین متعلقات آیه بررسی می‌شود.

ابن کثیر صاحب تفسیر قرآن، فراغت را از امور دنیایی بیان می‌کند، برخلاف زمخشری که متعلق فراغت را عام‌تر گرفته و آن را فراغت از هرامری که به آن اشتغال دارد، اعم از دنیوی و اخروی می‌داند. وی اطلاق آیه را رعایت کرده، اما در تعیین متعلق واژه «نصب»، آن را کوشش در عبادت بیان کرده است.

ابن عباس و زجاج نیز فراغت را از نماز و «نصب» را در دعا بیان کرده‌اند. مجاهد و جبائی نیز در تعیین متعلق فراغت، به طور خاص آن را فراغت از دنیا همچون ابن کثیر بیان کرده و در تعیین متعلق واژه «نصب» به تلاش و به زحمت انداختن خود در عبادت همچون ابن کثیر، مجاهد، جبائی و علامه طباطبایی رحمته‌الله تفسیر کرده‌اند. علی بن طلحه، حسن و ابن زید به بیان مصداق بسیار جزئی یعنی فراغت از بیماری و جهاد و همچنین تلاش در عبادت پرداخته‌اند.

حافظ حسکانی و صادقی تهرانی با دیدگاهی یکسان و مشترک به تفسیر آیه پرداخته و فراغت را از تبلیغ رسالت و سپس تلاشی مستمر در تبلیغ رسالت و نصب و تعیین امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به خلافت و جانشینی بیان کرده‌اند. مؤلف تفسیر کنز الدقائق نیز همچون حسکانی و مؤلف تفسیر الفرقان فراغت را، فراغت از تبلیغ رسالت تفسیر می‌کنند.

علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز طبق اطلاق و عمومیتی که بر آیه حاکم است، متعلق فراغت را از واجبات به صورت اعم و تلاش و کوشش در عبادت و دعا تفسیر کرده است. بنت الشاطی نیز همچون علامه طباطبایی با توجه به سیاق آیات به تفسیر آیه پرداخته و تفسیری عالمانه از آیه ارائه کرده است که پیش‌تر ذکر گردید. ابن مسعود نیز دیدگاهی قابل تأمل و نسبتاً دقیق را در این باره بیان می‌کند که با در نظر گرفتن آیات دیگر که یاد شد، صحت تفسیر ایشان مشهود است.

جدول نظریات مفسران

| مفسر | متعلق «فرغت» | متعلق «فانصب» |
|-----------------|--|--|
| علامه طباطبایی | واجبات | عبادت و دعا |
| صادقی تهرانی | تبلیغ رسالت | تعیین امیرالمؤمنین به خلافت |
| زمخشری | امور دنیوی و اخروی | عبادت |
| بنت الشاطی | تحیّر، تنگنایی، اندوه و سختی های رسالت | قیام و مجاهدت در انجام تکالیف و بار سنگین منصب پیامبری |
| ابن کثیر | امور دنیایی | عبادت |
| ابن مسعود | نماز واجب | قیام شب |
| ابن عباس - زجاج | نماز | دعا |
| حسن - ابن زید | جهاد | عبادت |
| مجاهد - جبائی | دنیا | عبادت |
| علی بن طلحه | بیماری | عبادت |
| حافظ حسکانی | تبلیغ رسالت | تعیین امیرالمؤمنین به خلافت |
| محمد قمی | تبلیغ رسالت | عبادت |
| علامه طبرسی | نماز واجب | دعا |

داوری نقاط مورد اختلاف

در میان دیدگاه‌های مفسران درباره‌ی آیه، نظر کسانی (همچون علامه طباطبایی، زمخشری، بنت الشاطی، حسکانی، صادقی تهرانی و محمد قمی) که تفسیری با توجه به اطلاق آیه و حفظ غنای معنایی آیه ارائه داده‌اند، از دیگر دیدگاه‌ها صحیح‌تر و پخته‌تر است. دیدگاه کسانی که به ذکر مصادیق بسیار جزئی درباره‌ی متعلقات آیه پرداخته‌اند، به نظر دور از تفسیر دقیق و صحیح و مراد الله است؛ زیرا آیه را به مصداق‌های بسیار جزئی محدود کرده‌اند.

دیدگاه‌های برگزیده و صحیح تفسیری و تأویلی درباره‌ی آیه

با توجه به سیاق آیه و همچنین سیاق کلی حاکم بر سوره شرح و نیز فضای سوره، به نظر می‌رسد صحیح‌ترین دیدگاه تفسیری، مربوط به بنت الشاطی و سپس ابن مسعود باشد. از نظرگاه تأویل آیه نیز که مقاله در پی اثبات آن است، صحیح‌ترین دیدگاه، دیدگاهی است که درباره‌ی نصب امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از خود است. این دیدگاه طبق نص صریح آیات و روایاتی که از عامه و خاصه اثبات پذیر است.

نتیجه

در این مقاله دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر متعلقات واژه‌های «فراغت» و «نصب» در آیه **﴿فَإِذَا فُرُغْتَ فَانصَبْ﴾** در سوره شرح گزارش گردید؛ پس از ذکر دیدگاه‌ها، به بررسی و نقد آن‌ها در دو بخش تفسیر و تأویل پرداخته شد. در بخش تفسیر آیه، صحیح‌ترین دیدگاه تفسیری، همان دیدگاه عایشه عبدالرحمان (بنت الشاطی) است که با توجه به سیاق، تفسیری صحیح و عالمانه از آیه به دست می‌دهد که طبق سیاق، آیات بیانگر تأکید یقینی هستند بر اینکه پس از عسرو تحیر و سختی‌های رسالت که بردوش پیامبر سنگینی می‌کند، یسرو فراغت خاطر که همان شرح صدر و رفع بار سنگین در آیات قبل است فراهم می‌شود و خداوند رسولش را پس از تحیر مشقت بار و بار سنگین کمرشکن، فراغت بال و آسودگی خاطر می‌بخشد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله باید بعد از این

به تلاش برای انجام تکالیف سنگین رسالت در آینده قیام کند.

اما در دیدگاه تأویلی، با بیان استدلال از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام که در کتب شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است، نتیجه این شد که طبق سیاق کلی حاکم بر سوره، منظور از آیه احتمالاً این است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فراغت از تبلیغ رسالت سنگینی که بر عهده دارد، برای تعیین جانشین بعد از خود تلاش کند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را همان گونه که در ابتدای رسالت او را به عنوان وصی خود به دیگران معرفی کرد، در پایان نیز طبق آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...﴾ (مائده/۶۷)، او را به عنوان جانشین خود تعیین کند؛ زیرا این عمل سبب اتمام نعمت و اكمال دین بر جهانیان از جانب خداوند متعال معرفی شده است.

پس بنا بر شواهد روایی بسیاری که از اهل بیت معصوم علیهم السلام به ما رسیده، می توان آیه را در باب خلافت و تعیین وصی بر مردم اثبات کرد؛ و سخن کسانی که بر این روایات به دیده بدعت می نگرند، بر اساس شواهد، کاملاً بی پایه و اساس است؛ بنابراین، تعیین مصداق یادشده برای آیه، هیچ گونه بُعدی ندارد و کاملاً مستدل و برهانی است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۲. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات فاطمة الزهراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۳. قرآن کریم، ترجمه سید محمد ابراهیم بروجردی، انتشارات صدر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۴. قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۵. قرآن کریم، ترجمه علی اصغر حلبی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۶. قرآن کریم، ترجمه محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۷. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن الکریم، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۸. قرآن کریم، ترجمه صفارزاده، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۹. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. ابن حیون، شرح الاخبار، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۱. ابن شهر آشوب، مناقب، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۱۲. استرآبادی، شرف الدین علی حسینی، تأویل الآیات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۱۴. بحرانی، عبد الله، عوالم العلوم والمعارف، مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۱۵. بنت الشاطی، عایشه، ترجمه التفسیر البیانی، انتشارات دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۰ش.
۱۶. حسکانی، عبید الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۷. زمخشری، محمود، کشف، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
- ۱۹- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۱. _____، مجمع البیان، انتشارات فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ش.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۳. طیب حسینی، سید محمود، تفسیر تطبیقی، دایرة المعارف قرآن کریم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش).
۲۴. ظهیر الباکستانی، احسان، الشیعة والقرآن، إدارة ترجمان السنة، لاهور، بی تا.
۲۵. _____، احسان، الشیعة والتشیع، إدارة ترجمان السنة، لاهور، چاپ دهم، ۱۴۱۵ق،
۲۶. فرامرز قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ش.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی، انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الكتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۲۹. قمی مشهدی، محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۲. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸ش.